



مشخصات دوره حضرت مهدی علیه السلام

به اتفاق علمای شیعه و اهل تسنن این جمله از پیغمبر اکرم متواتر است. احدی در این جمله تردید ندارد که پیغمبر اکرم فرمود: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی یخرج رجل من ولدی» یعنی اگر فرض کنیم از دنیا یک روز بیشتر باقی نمانده است، خدا آن روز را طولانی می‌کند تا مهدی از اولاد من ظهور کند. مقصود این است: این قضای حتمی پروردگار است که اگر فرض کنیم از عمر دنیا یک روز بیشتر باقی نمانده است این کار حتما باید عملی شود. این روایتی است که اهل تشیع و اهل تسنن هر دو روایت کرده‌اند و در آن تردید

به اتفاق علمای شیعه و اهل تسنن این جمله از پیغمبر اکرم متواتر است. احدی در این جمله تردید ندارد که پیغمبر اکرم فرمود: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی یخرج رجل من ولدی» یعنی اگر فرض کنیم از دنیا یک روز بیشتر باقی نمانده است، خدا آن روز را طولانی می‌کند تا مهدی از اولاد من ظهور کند. مقصود این است: این قضای حتمی پروردگار است که اگر فرض کنیم از عمر دنیا یک روز بیشتر باقی نمانده است این کار حتما باید عملی شود. این روایتی است که اهل تشیع و اهل تسنن هر دو روایت کرده‌اند و در آن تردید نیست.

بعضی از دوستان وقتی که می‌دیدند که این برادر ما از حجاز، آقای شیخ خلیل الرحمن (1)، همیشه صحبت انتظار ظهور حضرت حجت را می‌کند، تعجب می‌کردند که ایشان اهل تشیع نیستند، چطور انتظار ظهور حضرت حجت را دارند؟ واقعا ایشان انتظار ظهور حضرت حجت را دارند. اغلب ما شاید روی عادت و منطقه جغرافیایی می‌گوییم، و ایشان روی اعتقاد و ایمان می‌گویند. گفتم: این مطلبی است که شیعه و سنی ندارد، اهل تسنن هم این سخن را زیاد می‌گویند.

حال ببینید پیغمبر چگونه آن روز را روشن و دوره کمال بشریت می‌بیند. فرمود: «المهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و الزلازل» مهدی علیه السلام در یک شرایطی می‌آید که اختلاف در میان بشر شدید و زلزله‌ها برقرار است (مقصود زلزله‌های ناشی از مواد زیر زمین نیست)، اصلا زمین به ست‌بشر دارد تکان می‌خورد و خطر، بشریت را تهدید می‌کند که زمین نیست و نابود شود. «فیملأ الارض قسما و عدلا کما ملئت ظلما و جورا» بعد از آنکه پیمانۀ ظلم و جور پر شد، دنیا را پر از عدل و داد می‌کند. «یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض» از او، هم خدای آسمان راضی است و هم خلق خدای آسمان و مردم روی زمین، می‌گویند: الحمد لله که شر این ظلمها از سر ما کوتاه شد. بعد فرمود: «یقسم المال صحاحا» ثروت را به طور صحیح تقسیم می‌کند. گفتند: یا رسول الله! یعنی چه به طور صحیح؟ فرمود: عادلانه و بالسویه تقسیم می‌کند. «و یملأ الله قلوب امة محمد غنی و یسعهم عدله» (2) خداوند دل امت اسلام را مملو از غنا می‌کند، یعنی خیال نکن غنا و ثروت، تنها همان ثروت مادی است، دلها غنی می‌شود، فقرها و نیازها و حقارتها و بیچارگیها و کینه‌ها و حسادتها، همه از دلها بیرون کشیده می‌شود.

امیر المؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: حتی تقوم الحرب بکم علی ساق، بادیا نواجذها، مملوءة اخلافا، حلوا رضاعها، علقما عاقبتها. پیش بینی می‌کند که قبل از ظهور حضرت مهدی آشوب عجیب و جنگهای بسیار مهیب و خطرناکی در دنیا هست. می‌فرماید: جنگ روی پای خودش می‌ایستد، دندانهای خودش را نشان می‌دهد مثل یک درنده‌ای که دندان نشان می‌دهد، شیر پستان خودش را نشان می‌دهد، یعنی آن ستیزه جویان و آتش افروزان جنگ نگاه می‌کنند می‌بینند این پستان جنگ خوب شیر می‌دهد یعنی به نفعشان کار می‌کند، اما نمی‌دانند که عاقبت این جنگ به ضرر خودشان است. «حلوا رضاعها» دوشیدنش خیلی شیرین است اما «علقما عاقبتها» عاقبتش فوق العاده تلخ است. «الا و فی غد و سیاتی غد بما لا تعرفون» بدانید که فردا دنیا آستن چیزهایی است که هیچ پیش بینی نمی‌کنید، نمی‌شناسید و آگاه نیستید، ولی بدانید هست و فردا با خود خواهد آورد. «یاخذ الوالی من غیرها عمالها علی مساوی اعمالها» اول کاری که آن والی الهی می‌کند این است که عمال و حکام را یک یک می‌گیرد، اعوان خودش را اصلاح می‌کند، دنیا اصلاح می‌شود. «و تخرج له الارض افالید کبدها» زمین پاره‌های جگر خودش را بیرون می‌دهد، یعنی زمین هر موهبتی که در خودش دارد از هر معدنی، و هر استعدادی که شما تصور بکنید، همه را بیرون می‌دهد، هر چه تا امروز مضایقه کرده بیرون می‌دهد. «و تلقی الیه سلما مقالیدها» زمین می‌آید مثل یک غلام در حالی که تسلیم است کلیدهای خودش را در اختیار او قرار می‌دهد (اینها همه تعبیر و بیان است) یعنی دیگر سری در طبیعت باقی نمی‌ماند مگر اینکه به دست او کشف می‌شود. مجهولی در طبیعت باقی نمی‌ماند مگر اینکه در آن دوره مکشوف می‌گردد. «فیریکم کیف عدل السیرة» آنوقت او به شما نشان خواهد داد که عدالت واقعی یعنی چه، نشان خواهد داد که اینهمه که دم از اعلامیه حقوق بشر و آزادی می‌زدند همه‌اش دروغ بود، اینهمه که دم از صلح می‌زدند همه‌اش دروغ و نفاق و «جو فروشی و گندم نمایی» بود. «و یحیی میت الکتاب و السنة» (3) قوانین کتاب و سنت را که متروک مانده و به حسب ظاهر مرده و از میان رفته است زنده خواهد کرد. و نیز فرمود: اذا قام القائم حکم بالعدل.

هر یک از ائمه ما یک لقبی دارد. مثلا امیر المؤمنین: علی المرتضی، امام حسن: الحسن المجتبی، امام حسین: سید الشهداء، و ائمه دیگر: السجاد، الباقر، الصادق، کاظم، الرضا، النقی، النقی، الزکی العسکری. حضرت یک لقبی دارد مخصوص به خود، لقبی که از مفهوم «قیام» گرفته شده است، آن که در جهان قیام می‌کند: القائم.

اصلا ما حضرت مهدی را به قیام و عدالت می‌شناسیم، هر امامی به يك صفت شناخته می‌شود، این امام به قیام و عدالت شناخته می‌شود. «و ارتفع فی ایامه الجور» جور و ظلمی دیگر در کار نیست. «و امن به السبل» همه راهها، راههای زمینی، دریایی و هوایی امن می‌شود، چون منشا این نا امنیها ناراحتیها و بی عدالتیهاست، وقتی که دالت برقرار بشود، [چون] فطرت بشر فطرت عدالت است، دلیل ندارد که نا امنی وجود داشته باشد. «و اخرجت الارض برکاتها» و زمین تمام برکات خودش را بیرون می‌آورد. «و لا یجد الرجل منکم یومئذ موضعا لصدقته و لا بره... و هو قوله تعالی: و العاقبة للمتقين آیا می‌دانید ناراحتی مردم آن وقت چیست؟ ناراحتی مردم فقط این است که اگر بخواهند يك صدقه‌ای بدهند و يك كمکی به کسی بکنند، يك نفر [مستحق] پیدا نمی‌کنند، يك فقیر در روی زمین پیدا نخواهد شد.

راجع به «توحید الهی» می‌فرماید: «حتی یوحده الله و لا یشرک به شیئا» و راجع به «امنیت» می‌فرماید: «و تخرج العجوزة الضعیفة من المشرق ترید المغرب لا یؤذیها احد» يك پیر زن ناتوان، از مشرق تا مغرب دنیا را مسافرت می‌کند بدون کوچکترین آزار و اذیتی. زیاد است: آنچه از عدالت گفته شده است، از صلح و صفا به معنی واقعی گفته شده است، از آزادی و امنیت کامل گفته شده است، از ثروت و برکت فراوان گفته شده است، از تقسیم عادلانه ثروت گفته شده است، از فراوانی وسائل (وسائل دامداری و غیره)، از میوه و گوسفند گفته شده است، از نبودن مفاسد گفته شده است که دیگر شرب خمری وجود نخواهد داشت، دیگر زنایی وجود نخواهد داشت، دیگر بشر تنفر دارد از دروغ گفتن، تنفر دارد از غیبت کردن، تنفر دارد، از تهمت زدن، تنفر دارد از ظلم کردن.

اینها بر اساس چه فلسفه‌ای است؟ همان که عرض کردم: اسلام می‌گوید عاقبت بشر عدالت است، اما نمی‌گوید آن عدالتی که در عاقبت می‌آید فقط این است که فکر بشر به اینجا منتهی می‌شود که منفعت من در این است که منافع دیگران را حفظ کنم، نه [در آن زمان] عدالت برای بشر محبوب و مثل يك معبود است، یعنی روحش رقاء پیدا می‌کند، تربیتش کامل می‌شود، و این نمی‌شود جز اینکه يك حکومت عادل جهانی بر مبنای ایمان، خدا پرستی و خدا شناسی و بر مبنای حکومت قرآن به وجود آید، و ما مسلمین خوشوقتیم که بر خلاف اینهمه بدبینیهای که در دنیای غرب برای بشریت به وجود آمده، به آینده بشریت خوشبین هستیم. همین راسل در کتاب امیدهای نو می‌گوید: امروز دیگر غالب دانشمندان امیدشان را از بشریت قطع کرده و معتقدند که علم به جایی رسیده است که عن قریب بشر به دست علم نابود خواهد شد. می‌گوید: یکی از این افراد اینشتین است. اینشتین معتقد است که بشر با گوری که به دست خودش کنده است، يك گام بیشتر فاصله ندارد. بشر به مرحله‌ای رسیده است که فشار دادن چند دگمه همان و زمین ما کن فیکون شدن همان، و واقعا هم اگر ما معتقد به خدا و دست غیبی نباشیم، اگر آن اطمینانی که قرآن به آینده بشریت می‌دهد ما را مطمئن نکرده باشد، یعنی اگر ما همین ظواهر دنیای امروز را ببینیم، حق با اینهاست. روزی نیست که وسائل مخرب به صورت نیرومندتر، مهیبت‌تر و وحشتناکتر پیدا نشود. از حدود بیست سال پیش، از وقتی که بمب اتمی در هیروشیما افتاد، تا امروز، نگاه کنید ببینید قدرت تخریبی صنعتی بشر چند برابر شده است؟ رسیده به مرحله‌ای که می‌گویند دنیای امروز دیگر غالب و مغلوب ندارد. اگر جنگ سوم جهانی پیش بیاید، صحت این نیست که آیا آمریکا غالب است یا شوروی یا چین. اگر جنگ سومی پیش بیاید آن که مغلوب است زمین و بشریت است و آن که غالب است هیچ است. اما ما می‌گوییم: برای بشر و برای زمین از این پرتگاهها باز هم پیدا شده است، دست الهی بالای همه دستهاست. و کتیم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها (4). به ما گفته‌اند: «افضل الاعمال انتظار الفرج» (5) این خوشبینی و انتظار فرج کلی فضیلتش از همه اعمال بیشتر است، چرا؟ برای اینکه این يك ایمانی است در سطح بسیار عالی.

خدایا ما را از منتظران واقعی فرج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) بگردان.

خدایا به ما آن شایستگی را عنایت کن که دولت بر حق او را ادراک کنیم. اللهم انا نرغب الیک فی دولة کریمه، تعز بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله، و تجعلنا فیها من الدعاء الی طاعتک و القادة الی سبیلک.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

پی‌نوشتها:

1- [از قاریان قرآن که حسینییه ارشاد از او دعوت به عمل آورده بود].

2- اعلام الوری، ص 401.

3- نهج البلاغه، خطبه 138.

4- آل عمران/103.

5- بحار الانوار، ج 52/ص 122.

مجموعه آثار جلد 18 صفحه 161.

استاد شهید مرتضی مطهری